



نقش و تاثیر بازی بر تربیت دینی کودکان دوره ابتدایی

علی رضائی^۱، رضا غلامی^۲

۱- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده اول: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

۲- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده دوم: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

آدرس پست الکترونیک نویسنده رابط: alirezaei۱۳۷۹۹۰@yahoo.com

چکیده

برخی بازی‌ها در ذات خود، تأمین‌کننده هدف تربیت دینی هستند؛ اما بسیاری از بازی‌ها باید توسط مربیان تربیتی، جهت‌دهی شوند تا بتوان از آنها در راستای تربیت دینی استفاده نمود. آنچه مهم است، اینکه بازی به‌عنوان یکی از اهرم‌های اصلی تربیتی، به‌ویژه برای کودکان زیر هفت سال محسوب می‌شود. در این رابطه مقالات و تحقیقاتی صورت گرفته است که به تبیین تأثیر بازی بر تربیت اشاره دارند؛ اما نگاه خاص این مقاله در تبیین تأثیر بازی در تربیت دینی کودکان و موضوعاتی است که در هویت‌بخشی به انسان مؤمن نقش اساسی دارد. این مقاله کوششی است که تنها در «عنوان» یک مقاله بدان اشاره شده، چراکه که محتوای مقاله، مانند دیگر مقالات به تبیین اثرات بازی بر تربیت به‌صورت کلی پرداخته و نه به‌طور ویژه درباره تربیت دینی است.

امیرحسین رضایی عطار، در مقاله «نقش بازی در تربیت دینی و سلامت جسم و روان از دیدگاه اسلام»؛ بیان می‌کند، یکی از غرایزی که خداوند حکیم در باطن کودکان قرار داده، تمایل به بازی است، کودک بالفطره میل به بازی دارد و توجه به بازی کودک، بسیاری از مشکلات روانی عاطفی وی را حل خواهد نمود؛ بازی وسیله‌ای برای رشد همه‌جانبه و هماهنگ کودک است که بر رشد زبان او تأثیر بسیاری دارد؛ رشد زبان نیز خود بر رشد شناخت و ذهن کودک تأثیر بسیار دارد و به هماهنگ شدن حواس پنج‌گانه‌اش می‌انجامد و رشد همه‌جانبه انسان، به‌ویژه رشد اجتماعی او را فراهم می‌سازد. کودک در بازی خود، همه ضعف‌ها و قوت‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌ها، بینش‌ها و نگرش‌ها و به‌طور کلی شخصیت خود را بروز می‌دهد. ائمه و معصومان (ع) به جنبه‌های آموزشی بازی، مانند افزایش دقت و تمرکز کودکان نیز توجه می‌کردند؛ از دیدگاه معصومین (ع) بازی از چند جهت نقش مؤثر و اهمیت فوق‌العاده‌ای در تربیت کودک دارد؛ بی‌توجهی به این نیاز طبیعی کودک، خسارت‌های روحی- روانی بسیاری دارد و شرکت کردن در بازی کودکان نیز نوعی احترام به کودکان و شغل آنها که در واقع همان بازی است. در مقاله «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (ع)» تربیت جسمی، عقلانی، اجتماعی و عاطفی را از اثرات بازی می‌داند.

کلمات کلیدی: کودک، تربیت، تربیت دینی، بازی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

برخی بازی‌ها در ذات خود، تأمین‌کننده هدف تربیت دینی هستند؛ اما بسیاری از بازی‌ها باید توسط مربیان تربیتی، جهت‌دهی شوند تا بتوان از آنها در راستای تربیت دینی استفاده نمود. آنچه مهم است، اینکه بازی به‌عنوان یکی از اهرم‌های اصلی تربیتی، به‌ویژه برای کودکان زیر هفت سال محسوب می‌شود. در این رابطه مقالات و تحقیقاتی صورت گرفته است که به تبیین تأثیر بازی بر تربیت اشاره دارند؛ اما نگاه خاص این مقاله در تبیین تأثیر بازی در تربیت دینی کودکان و موضوعاتی است که در هویت‌بخشی به انسان مؤمن نقش اساسی دارد. این مقاله کوششی است که تنها در «عنوان» یک مقاله بدان اشاره شده، چراکه که محتوای مقاله، مانند دیگر مقالات به تبیین اثرات بازی بر تربیت به‌صورت کلی پرداخته و نه به‌طور ویژه دربارهٔ تربیت دینی است.

امیرحسین رضایی عطار، در مقاله «نقش بازی در تربیت دینی و سلامت جسم و روان از دیدگاه اسلام»؛ بیان می‌کند، یکی از غرایزی که خداوند حکیم در باطن کودکان قرار داده، تمایل به بازی است، کودک بالفطره میل به بازی دارد و توجه به بازی کودک، بسیاری از مشکلات روانی عاطفی وی را حل خواهد نمود؛ بازی وسیله‌ای برای رشد همه‌جانبه و هماهنگ کودک است که بر رشد زبان او تأثیر بسیاری دارد؛ رشد زبان نیز خود بر رشد شناخت و ذهن کودک تأثیر بسیار دارد و به هماهنگ شدن حواس پنج‌گانه‌اش می‌انجامد و رشد همه‌جانبه انسان، به‌ویژه رشد اجتماعی او را فراهم می‌سازد. کودک در بازی خود، همه ضعف‌ها و قوت‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌ها، بینش‌ها و نگرش‌ها و به‌طور کلی شخصیت خود را بروز می‌دهد. ائمه و معصومان (ع) به جنبه‌های آموزشی بازی، مانند افزایش دقت و تمرکز کودکان نیز توجه می‌کردند؛ از دیدگاه معصومین (ع) بازی از چند جهت نقش مؤثر و اهمیت فوق‌العاده‌ای در تربیت کودک دارد؛ بی‌توجهی به این نیاز طبیعی کودک، خسارت‌های روحی- روانی بسیاری دارد و شرکت کردن در بازی کودکان نیز نوعی احترام به کودکان و شغل آنها که درواقع همان بازی است. در مقاله «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (ع)» تربیت جسمی، عقلانی، اجتماعی و عاطفی را از اثرات بازی می‌داند.

انواع بازی در سیره عملی و روایی اهل بیت (ع)

خاک‌بازی: جایگاه این بازی برای کودکان آن‌چنان است که پیامبر (ص) یکی از دلایل علاقه خود نسبت به کودکان را همین دلیل می‌داند [۱] و به والدین سفارش می‌کند مانع خاک‌بازی کودکان نشوند. [۲]

آب‌بازی و شنا: این بازی نیز مانند خاک‌بازی چنان ارزشی دارد که از آن به‌عنوان بهترین تفریح برای مؤمن (متقی هندی، ۱۴۰۱، ۱۵، ۶۲۷)، یاد شده و محبوب‌ترین تفریح نزد خداوند است (همان، ۴، ۳۴)؛ از همین‌رو پیامبر (ص) سفارش نموده‌اند به فرزندان‌شان شنا یاد دهید (کلینی، ۱۳۹۲، ۶، ۷۲) و آن را از حقوق فرزند بر پدر دانسته‌اند (متقی هندی، ۱۴۰۱، ۱۶، ۳۳). بر طبق روایات اهمیت این بازی از خاک‌بازی هم بالاتر است، چراکه هم جنبه تفریحی و نشاط و هم جنبه کاربردی در زندگی افراد دارد.

سواری دادن و اسب‌دوانی: با مطالعه سیره اهل بیت (ع)، می‌توان چنین استنباط نمود که یکی از بازی‌های مورد علاقه کودکان، سواری گرفتن است. در سیره زندگی پیامبر (ص) آمده که ایشان نقش مرکب و یا شتر را بازی می‌کردند و به حسنین سواری می‌دادند (مجلسی، ۱۳۹۲، ۳۷، ۲۵). پیامبر (ص) حتی برای کودکان دیگر هم این بازی را انجام می‌دادند و آنها را بر دوش خود سوار می‌نمودند (جلالی شاهرودی، قرن ۱۴، ۱۲۸). علاقه حسنین به این بازی آن‌قدر بوده که حتی در موقع نماز و در وقت سجده، بر دوش پیامبر (ص) می‌رفتند و پیامبر نیز مانع از بازی ایشان نمی‌شدند (نوری، ۱۳۶۸، ۳، ۷۸)؛ همچنین امام حسین (ص) در بازی با صحابه پیامبر (ص)، کولی‌سواری را به‌عنوان پاداش رقابت خود قرار داده بودند (مجلسی، ۱۳۹۲، ۱۰۴، ۲۱۱)؛ علاقه کودکان به این بازی را می‌توان در زمانی که بزرگ‌تر شدند و توانایی لازم را پیدا نمودند، به نحوی دیگر که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آن نیز مورد تأیید روایات است، یعنی از طریق آموزش اسب سواری، هدایت نمود. به دلیل اهمیت اسب سواری، در قرآن از تعبیر زینت برای معرفی این بازی استفاده شده است (نحل، ۸). پیامبر (ص) آموزش اسب دوانی را به فرزندان سفارش می نمودند و خود مسابقات اسب دوانی ترتیب داده و جایزه آن را از مال خویش قرار می دادند (عاملی، بی تا، ۸۱، ۱۳).

تیله بازی و تیراندازی: ابورافع، یکی از کسانی است که با حضرت علی (ص) روابط نزدیک داشت؛ به طوری که با فرزندان ایشان بازی می کرد. در کتب روایی از وی چنین نقل شده است: من با امام حسین (ص) گلوله بازی می کردم، او کودک بود، هرگاه گلوله ام به گلوله اش می خورد، می گفتم: مرا بر دوش بگیر؛ به من می گفت: می خواهی بر پشت کسی سوار شوی که پیامبر خدا او را بر دوش گرفته؟ من رهاش می کردم؛ هنگامی که گلوله او به گلوله من می خورد؛ می گفتم همان گونه که تو مرا بردوش نگرفتی، من هم تو را بر دوش نمی گیرم، می فرمود: آیا راضی نمی شوی بدنی را حمل کنی که پیامبر خدا او را حمل کرده و من او را بر دوش می گرفتم؟ (مجلسی، ۱۰۴، ۶۲، ۱۳۹۲). بازی تیله بازی که به عبارتی نوعی تمرین نشانه گیری است، می تواند با بزرگ تر شدن کودکان قالب های جدید ورزش تیراندازی را به خود بگیرد که آن نیز مورد سفارش و تأکید دین است؛ همان گونه که پیامبر (ص) فرموده اند: به تیراندازی روی آورید، زیرا یکی از بهترین سرگرمی های شماس (ری شهری، ۱۳۸۴، ۴، ۳۴).

بازی های کلامی-فکری: هنگامی که امام حسن و امام حسین (ص) کودکان خردسالی بودند، حضرت زهرا (س) برای آنان شعر می خواندند و با آنان بازی می کردند؛ این شعرها که در دنیای کودکی و همراه با بازی به فرزندان گفته می شد، پیام ها و ارزش هایی را به همراه داشت؛ از جمله یکی از این اشعار، این شعر بوده است: «پسرم حسن جان! تو همانند پدرت باش، کاری کن که بتوانی از دین حق، قیدوبندها را رها کنی، خدایی را پرستش کن که با نعمت های فراوانش در گوشه زندگی، بر ما منت دارد، پسرم با کینه توزان و دشمنان دین خدا دوستی مکن» (مجلسی، ۱۳۹۲، ۴۳، ۳۴).

بازی دیگری که از امام صادق (ص) در زمانی کودکی نقل شده است، طرح معما در قالب استاد-شاگردی بود؛ به این صورت که ایشان نقش استاد را بازی می کردند و معمایی طرح می نمودند. اگر کسی پاسخ می داد، جای ایشان استاد می شد و معما طرح می کرد و بازی به همین شکل ادامه می یافت. همچنین در بازی دیگری که باز به شکل استاد-شاگردی انجام می شد، این گونه بود که امام صادق (ص) که نقش استاد را بازی می کردند کلمه ای را برای شاگرد بیان می کردند، شاگرد باید این کلمه را پشت سرهم بیان می کرد؛ استاد نیز کلمات مترادف بامعنی یا بی معنی را هم زمان با صدای بلند بیان می نمود تا حواس شاگرد را پرت نماید. اگر شاگرد کلمات را به اشتباه به صورت جابه جا می گفت از دور بازی حذف می شد و شاگرد دیگری به جای او می آمد (مرکز مطالعات اسلامی استامبورگ فرانسه، ۱۳۵۸، ترجمه منصوری، ۱۲).

بازی های رزمی: علاوه بر تیراندازی که بدان اشاره شد، از امیرمؤمنان علی (ص) نقل شده است که فرمودند: روزی پیامبر (ص) در منزل ما بودند، حسن (ص) و حسین (ص) را نزد خویش فراخواند و آنها را تشویق به گرفتن کشتی با هم نمود. در حین کشتی پیامبر (ص) فرمود: حسن بجنب! عرض کردم، ای رسول خدا بزرگ تر را بر علیه کوچک تر تشویق می کنی! پیامبر فرمود: جبرئیل می گوید: حسین بجنب! و من می گویم حسن بجنب! (مجلسی، ۴۳، ۱۳۹۲، ۷۰). از دیگر بازی های رزمی در سیره اهل بیت (ع) شمشیربازی است؛ شمشیربازی از جمله بازی هایی است که هم در سیره و هم در روایات اهل بیت (ع) بدان سفارش شده است (پاینده، ۱۳۶۳، ۱۱۵).

بازی های ساده: گرچه ذات بازی برای کودکان توأم با لذت است، اما گویا انجام برخی بازی های ساده از جانب پیامبر (ص) صرفاً با هدف لذت و ایجاد شادی برای کودکان بوده است. تصریح هدف شادی و لذت برای کودکان در روایات اشاره شده است. پیامبر (ص) فرموده اند: به درستی که در بهشت خانه ای قرار دارد که به آن خانه شادی می گویند، کسی وارد آن نمی شود، مگر اینکه کودکان را شاد کرده باشد (متقی هندی، ۱۴۰۱، ۱۰)؛ و یا در بیانی دیگر فرموده اند: کسی که دختر بچه خود را شادمان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کند، مانند کسی است که بنده‌ای را از فرزندان (حضرت) اسماعیل، آزاد کرده باشد و آن کس که پسر بچه خود را مسرور و دیده او را روشن کند، مانند کسی است که از خوف خدا گریسته باشد (طبرسی، ۱۳۷۰، ۱۱۴).

در رابطه با انواع بازی‌های ساده، می‌توان نمونه‌هایی از بازی‌های قایم‌موشک، عبور از مانع و گرگی را، در سیره پیامبر(ص) مشاهده نمود که با هدف شاد نمودن کودکان انجام می‌شده است. در روایات هست که پیامبر(ص) زبان خود را برای امام حسن و امام حسین(ع) بیرون می‌آورد و تا چشم آنان به پیامبر(ص) می‌افتاد به سوی ایشان می‌دویدند (ورام، ۱۳۹۱، ۸۰)؛ عبدالله ابن زبیر می‌گوید: گاه می‌دیدم پیامبر میان دو پای خود را فراخ می‌نمود تا حسن(ص) از سوئی برود و از سوی دیگر بیرون بیاید (رضائی، ۱۳۸۴، ۶۰). در روایت دیگری آمده وقتی پیامبر در راهی که با اصحاب می‌رفتند، حسین را دیدند، از اصحاب جدا شده درحالی که به سوی فرزندش قدم برمی‌داشت؛ دستانش را گشود تا او را در آغوش بگیرد. کودک خنده‌کنان این سو و آن سو می‌گریخت و رسول خدا نیز خنده‌کنان از پی او می‌دوید، سرانجام کودک را گرفت، دستی زیر چانه او و دستی دیگر بر پشت گردن او نهاد و لب بر لبش گذاشت و او را بوسید (مجلسی، ۱۳۹۲، ۴۳، ۴۴). همچنین در روایات آمده است که پیامبر(ص) بیشترین شوخی را با کودکان می‌کردند (ترمذی، ۱۴۰۸، ق، ۵، ۲۳). باید توجه داشت که شوخی کردن هم برای کودکان نوعی بازی محسوب می‌شود. آنچه در معرفی بازی‌های مربوط به سیره اهل بیت(ع) به چشم می‌خورد و به عبارتی وجه مشترک تمام این بازی‌ها است، سادگی این بازی‌ها است. داشتن وسایل زیاد و پیچیده برای بازی و شاد کردن کودکان، هیچ‌گاه شرط نیست و می‌توان با ابتدایی‌ترین و در دسترس‌ترین امور، کودکان را دعوت به بازی نمود.

ویژگی‌ها و ملزومات بازی با کودکان

اگر به دنبال این مطلب هستیم که پلی بین بازی و تربیت دینی بزنیم تا از طریق ساده‌ترین و جذاب‌ترین موضوع در زندگی کودکان به بالاترین و با اهمیت‌ترین امور، یعنی تربیت انسان‌های دین‌مدار برسیم؛ لازم است بعد از شناخت برخی بازی‌ها که با فطرت انسان و روح دین‌داری عجین است و در قسمت قبل بدان اشاره شد، ویژگی‌های بازی کردن با کودکان و ملزومات آن را بشناسیم تا از طرفی بُعد مثبت تأثیرگذاری بازی بر تربیت را تقویت کنیم و از طرف دیگر از معایب و آسیب‌های محتمل، در امان باشیم؛ به عبارت دیگر، تنها زمانی می‌توانیم از نقش بازی در تربیت دینی صحبت نماییم که پیش از آن شرایط بازی را شناخته و رعایت کرده باشیم. این ملزومات را می‌توان در قالب سه عنوان کلی خلاصه نمود: ۱. ملزومات بازی در رابطه با والدین؛ ۲. ملزومات بازی در رابطه با رعایت ویژگی‌های بازی؛ ۳. ملزومات بازی در رابطه با رعایت شرایط بازی.

ملزومات بازی در رابطه با والدین؛ اشاره به نکاتی دارد که والدین باید در روند بازی کودکان بدان توجه نمایند. اولین نکته قابل طرح در این رابطه، لزوم شرکت و همراهی والدین در بازی با کودکان است. در سیره اهل بیت(ع) همان‌طور که اشاره شد، این نکته به‌وفور دیده می‌شود؛ به‌ویژه در رابطه با سیره عملی پیامبر(ص) که بیشتر قابل دسترسی و در نقل‌های تاریخی آورده شده است، این نکته بسیار دیده می‌شود، به‌گونه‌ای که صحابه و یاران ایشان از این موضوع تعجب می‌کردند؛ به‌عنوان نمونه وقتی مردی به نام عیینة بن بدر فراری جریان بازی دویدن پیامبر(ص) به دنبال حسین(ص) را دید، از روی شگفت و تعجب گفت: به خداوند سوگند! پسر مردی شده و بر صورتش مو روییده است، اما تاکنون یک‌بار هم او را نبوسیده‌ام، اینجا بود که پیامبر(ص) او را دعوت به مهربانی و ترحم با کودکان نمود (مجلسی، ۱۳۹۲، ۴۳، ۵۴). همچنین اصحاب، از علت طولانی شدن سجده ایشان در نماز و یا دیر آمدن به مسجد به علت بازی با کودکان تعجب نموده و سؤال می‌پرسیدند و از نحوه رفتار پیامبر(ص) با این مقامات در تعامل با کودکان به شگفت می‌آمدند (مالکی؛ ۱۴۲۲، ق، ۱۳۴). حضرت زهرا(س) هم با وجود مشغله زیاد خانه که گاه همراه با مشغله بیرون از منزل می‌شد، این نکته را رعایت می‌نمودند و با فرزندان‌شان بازی می‌کردند؛ بنابراین والدین در اولین قدم باید نگاه خود را به این موضوع اصلاح نمایند که رتبه و سن بالاتر و مشغله زندگی دلیلی برای صرف‌نظر کردن از بازی با کودکان نیست و اگر می‌خواهند از اثرات مثبت بازی برای تربیت بهره‌مند شوند، نمی‌توانند کودکان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

را در بازی‌هایشان رها کنند تا تربیت، خودبه‌خود از این مجرا اتفاق بیفتد؛ این ویژگی در دو قالب بازی کردن با کودکان و نظارت بر بازی کودکان تعریف می‌شود و نباید بازی‌های کودکانه از این دو حال خارج باشد.

نکته دوم در رابطه با ملزومات بازی در رابطه با والدین که مرتبط با نکته اول است، مسئله‌ای است که در ضمن روایت بدان اشاره شده، اینکه هر کس با کودک سروکار دارد با او کودکانه رفتار نماید (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ق، ۳، ۹۱)؛ قاعده کلی بالا در مورد بازی نیز مصداق پیدا می‌کند. دقت در نحوه بازی پیامبر(ص) با کودکان این موضوع را روشن می‌کند که گرچه ایشان مقام بالایی داشتند، اما ابایی از این نداشتند که در بازی با کودکان حرکاتی انجام دهند که سبب شادی بچه‌ها و شگفت بزرگ‌ترها شود؛ به‌عنوان نمونه بازی با زبان برای کودکان که در قسمت قبل بدان اشاره شد.

جنبه دیگری که در مورد ملزومات بازی در رابطه با والدین، وجود دارد، اینکه قوانین دنیای بزرگ‌ترها نباید به دنیای بازی کودکان تحمیل شود، دنیای کودکان قوانین خود را دارد که با توجه به روایت، این بزرگ‌ترها هستند که وقتی وارد دنیای کودکان می‌شوند باید از قوانین خود صرف‌نظر کنند؛ نه اینکه سعی نمایند به کودکان قوانین خود را بیاموزند یا تحمیل کنند. در روایت آمده که پیامبر(ص) کودکان را به چند دلیل دوست داشتند، سه مورد از این دلایل که در این بخش باید بدان توجه شود، اینکه پیامبر(ص) کودکان را دوست داشتند، به سبب اینکه بسیار گریه می‌کنند، با هم دعوا می‌کنند، اما زود آشتی می‌کنند و کینه به دل نمی‌گیرند و خانه می‌سازند و سپس خراب می‌کنند (کلینی، ۶، ۲۷، ۱۳۹۲)؛ این موارد سه قاعده کلی است که علاوه بر دنیای کودکان، در بازی‌های آنها نیز حاکم است. تصور اشتباهی است که والدین بخواهند در بازی با کودکان طبق نظم و قواعد بازی بزرگسالان پیش بروند؛ حتی گاهی لازم است با گریه کودک همراه شوند، در دعوی ساختگی با کودک شرکت کنند و خانه اسباب‌بازی که ساعت‌هاست برای ساختش وقت گذاشته‌اند، خراب کنند. اساساً دنیای کودکان قاعده بردار به شکلی که بزرگ‌ترها انتظار دارند، نیست؛ اما این قاعده باید مبنای اصلی رفتار و بازی با کودکان باشد: «کودکانه رفتار نمودن و خود را به کودکی زدن» است؛ این اصل دارای دو تعبیر است که هر دو تعبیر درست است؛ یکی همان پیروی از قواعد دنیای کودکی که توضیح آن آمد و دیگری به معنای خود را به کودکی زدن یا وانمود کردن به نفهمیدن است؛ این موضوع را حتی یاران پیامبر(ص) در بازی رعایت می‌کردند؛ آنجا که صحابه پیامبر(ص) با حسین(ص) گلوله بازی می‌کرد و وقتی ایشان قاعده بازی را به نفع خویش تعریف می‌کرد؛ صحابه گویی خود را به ندانستن می‌زد که این حرف عادلانه نیست، اما اجرا می‌نماید. در دنیای بازی با کودکان گاهی به تعبیر ضرب‌المثل، باید مانند کبک سر به زیر برف برد، چراکه یقیناً فهم و اطلاع بزرگ‌ترها از کودکان بیشتر است و اگر بخواهند بر اساس همان فهم و اطلاع در بازی عمل کنند، کودک به‌هیچ‌وجه از این بازی لذت نمی‌برد؛ اما دنیای کودکان آن‌چنان بی‌آلایش است که حتی نمایش نفهمیدن بزرگ‌ترها را نمی‌فهمند و این سبب می‌شود بازی برایشان لذت‌بخش باشد.

نکته سوم که در رابطه با نکته قبلی باید دیده شود، عزت‌مداری در بازی، در عین کودکانه بازی نمودن است. والدین بعد از بازی با کودکان باید نقش‌های قبلی خود را ایفا کنند و اگر تمام عزت و ابهت خود را به بهای کودک شدن در حین بازی از دست بدهند، دیگر نمی‌توانند تربیت را در بخش‌های دیگر زندگی ادامه دهند و این خود نقض غرض از هدف بازی با کودک می‌شود. این مرز دقیق و حساس نیازمند نگاه شرافتمندانه‌ای است که نکات خاصی را در این باب نمایان می‌کند؛ به‌عنوان نمونه گرچه پیامبر(ص) در بازی با کودکان وارد دنیای آنان می‌شدند و حتی گاهی برخی حرکات را انجام می‌دادند که از نگاه اطرافیان مورد سؤال بود، اما همچنان عزتشان در بین کودکان محفوظ می‌ماند. این ظرافت عمل را می‌توان در نقشی که پیامبر(ص) در بازی سواری دادن به کودکان اعمال می‌کردند، مشاهده نمود. ایشان در این بازی بر طبق روایات دو تعبیر را برای نقش خود قائل بودند: یا شتر و یا مرکب؛ سؤال اینجاست، چرا میان این همه تعبیر، پیامبر(ص) برای نقش خود، از نام حیوانی استفاده می‌کنند که تنها مانند انسان از «نفر» برای شمارش آن استفاده می‌شود و از محبوب‌ترین و مفیدترین حیوانات در تعبیر اسلامی و در میان اعراب است. اینها نکات دقیقی است که والدین باید به‌طور توأمان و در رعایت شرایط بازی با فرزندانشان بدان توجه کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نکته چهارمی که والدین در بازی با کودکان باید رعایت کنند، لزوم تشویق به بازی است؛ شاید این نکته با توجه به اشتیاق خود کودکان به بازی، ابهام‌انگیز نماید؛ یعنی تشویق به موضوعی که کودک خود بدان مشتاق است؛ اما وقتی سخن از نقش بازی در تربیت در میان است، ابهام برطرف می‌شود. لزوم تشویق به بازی مناسب و هدف‌دار، تعبیر دقیق‌تر این نکته است، به عبارت دیگر زمانی که کودک در فضای بازی نامناسب است و یا از یک بازی خاص مناسب غافل است؛ یا زمانی که هم‌بازی ندارد و یا یک بازی برای رسیدن به هدفی خاص در زمانی خاص تعریف می‌شود؛ مواردی است که نقش نکته کلیدی تشویق و دعوت به بازی پررنگ می‌شود. این نکته به‌ویژه در زمان فعلی که اکثر کودکان به بازی‌های اغلب نامناسب رسانه‌ای و بی‌تحرك روی آورده‌اند، اهمیت بیشتری می‌یابد. پیامبر(ص) از سه طریق این موضوع را انجام می‌دادند؛ نخست، تشویق کلامی که در دعوت به کشتی حسنین بدان اشاره شد؛ دوم، تشویق عملی از طریق هم‌بازی شدن با کودکان و شروع بازی با آنان و سوم، تشویق از طریق در اختیار قرار دادن و فراهم نمودن شرایط بازی که خود نوعی تشویق عملی محسوب می‌شود؛ فراهم کردن شرایط بازی با آب، خاک و در دسترس قرار دادن وسایل بازی، مانند شمشیر و تیر و کمان که در بخش‌های قبلی ذکر شد، از این موارد هستند.

نکته پنجمی که والدین باید در مورد بازی با کودکان رعایت کنند؛ عدم مانع‌تراشی برای بازی‌های کودکان است؛ این نکته جنبه فرعی برای نکته قبل را دارد و به عبارتی یکی از رویکردهای تشویقی است، گرچه یک قاعده کلی نیست و بازی‌های ناسالم را استثنا می‌کند، اما تعریف سالم و ناسالم از دیدگاه بزرگ‌ترها در این نکته ملاک نیست. وقتی پیامبر(ص) بیان می‌کنند مانع خاک‌بازی کودکان نشوید (بهشتی، ۱۳۶۶)، نشان می‌دهد رعایت نکات بهداشتی در این مورد مربوط به بعد از بازی است و ایجاد مانع و محدودیت در حین بازی، تنها تلخ کردن کام کودکان است؛ حتی نمی‌توان اشتیاق کودکان به این بازی فطری را به بهانه تهیه خاک سالم به تعویق انداخت؛ چراکه بحث زمان نیاز به بازی از نکاتی است که بایستی رعایت شود و در بخش بعدی بدان اشاره خواهد شد.

نکته آخری که والدین در بازی با کودکان باید رعایت نمایند، قرار دادن جایگزین برای بازی است. این موضوع در چند موضع باید رعایت شود؛ نخست، زمانی که والدین می‌خواهند بازی با کودکان را ترک کنند؛ دوم، زمانی که می‌خواهند کودکان بازی کردن را کنار بگذارند و سوم، زمانی که در سیر رشد، باید بازی‌های کودکان به بازی‌های متعالی‌تری تبدیل شود. از باب رعایت همین نکته کافی است که وقتی صحابه در مسجد منتظر حضور پیامبر(ص) برای اقامه نماز بودند، ایشان به یک‌باره بازی با کودکان را رها نمی‌کردند، بلکه به بلال می‌فرمودند: به منزل برو و اگر چیزی هست برای کودکان بیاور، بلال نیز تعدادی گردو یافت و آنها را نزد پیامبر برد؛ پیامبر نیز گردوها را در دست گرفت و خطاب به کودکان فرمود: آیا شتر خود را در عوض این گردوها می‌فروشید؟ کودکان به این معامله رضایت دادند و با خوشحالی پیامبر را رها کردند و پیامبر راهی مسجد شد (جلالی شاهرودی، قرن ۱۴، ۲۸۶). سیره عملی اهل‌بیت(ع) نیز نشان می‌دهد که بازی‌های ساده کودکان به تدریج و بسته به توانایی افراد، جای خود را به ورزش‌ها و مشاغل می‌دهند. تیله‌بازی که نوعی نشانه‌گیری است با تیراندازی ادامه می‌یابد. دعوای کودکان جای خود را به کشتی رقابتی می‌دهد. شنا و آموزش آن، جایگزین آب‌بازی می‌شود؛ به عبارتی قالب بازی همان است، اما کمی تغییر می‌یابد و از حالت بازی کودکانه تبدیل به تفریح و ورزش می‌شود.

ملزومات بازی با کودکان در رابطه با رعایت ویژگی‌های بازی: بازی‌های کودکان ویژگی‌های خاصی دارد که اگر این ویژگی‌ها نادیده گرفته و یا حذف شود، رسیدن به اهداف تربیت دینی که در بخش بعدی بدان اشاره می‌شود، دشوار و یا ناممکن می‌نماید. بخشی از این ویژگی‌ها در رابطه با والدین بود که در قسمت قبل بدان اشاره شد، برخی از این ویژگی‌ها نیز مربوط به ذات کودکان و یا ذات بازی‌ها است که در این قسمت بدان اشاره می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ذاتی کودکان، بازی گوسی آنها است که این ویژگی در موقع بازی کردن بروز و نمود بیشتری می‌یابد. تغییر این قاعده ذاتی و یا سعی در حذف و قالب‌بندی نمودن آن، سبب می‌شود ثمرات مفیدی که در این صفت نهفته است و در بخش بعد بدان اشاره می‌شود؛ حاصل



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نشود. در روایت آمده خوب است که بچه در کودکی بازیگوشی کند و شایسته نیست که جز این باشد (کلینی، ۱۳۹۲، ۶، ۶۵). اگر شیطنت را بعد منفی این صفت بدانیم که به معنی اذیت دیگران و تخریب و آسیب‌رسانی است؛ بازیگوشی نوعی تحرک فعال مثبت از جانب کودکان است که نیازمند صبر و برنامه‌ریزی والدین است؛ این تعبیر با توجه به واژه آن، اشاره به کمی دقت کودکان در بازی و در نتیجه حرف‌شنوی کمتر از والدین دارد. وقتی بازیگوشی در لسان روایات مورد تأیید قرار گرفته، پس لزوماً این بزرگ‌ترها هستند که باید خود را همراه با کودکان نمایند؛ یعنی بر عدم حرف‌شنوی کودکان به سبب ضعف دقت و مشغول بودن به بازی صبر نموده و برای مواردی که این بازیگوشی سبب برهم‌ریختگی محیط می‌شود، مانند مهمانی‌ها، برنامه‌ریزی نمایند؛ اما یقیناً محکوم کردن بازیگوشی کودکان کاری اشتباه است؛ تحمیل عباراتی مانند برجایت بنشین و یا شرط کردن استفاده از امکانات در صورت بازیگوشی نکردن، خطای رایجی است که اغلب از سوی والدین دیده می‌شود و گاه این خطا آن‌قدر تکرار شده که سبب می‌شود این روحیه به‌طور کلی در درون کودک ضعیف شده تا در نهایت یک کودک به‌اصطلاح با آداب و سبک تربیت شود و کودک در آینده زندگی خود از مزایای این بازیگوشی بهره‌مند نخواهد شد. بردباری در برابر بازیگوشی کودکان به عینه در رفتار پیامبر(ص) دیده می‌شود؛ زمانی که نوه‌هایشان در نماز بر پشت ایشان سوار می‌شدند و ایشان یا سجده را طولانی می‌نمودند و یا به آرامی ایشان را بر زمین گذاشته و سپس مجدد به سجده رفته و باز همان قضیه تکرار می‌شد.

بازی‌های مورد استفاده برای کودکان باید دارای ویژگی‌هایی باشند تا بتوان از طریق آن به اهداف تربیت دینی دست یافت؛ به عبارتی بازی باید با اهداف چندگانه دنبال شود و صرفاً بازی با هدف بازی صورت نگیرد؛ اگر بر اساس الگوی هرم نیازهای مازلو، بخواهیم هرمی برای اهداف بازی ترسیم نماییم؛ در پایین‌ترین سطح این هرم، گسترده‌ترین نیاز کودکان نسبت به بازی، یعنی کسب لذت و نشاط قرار دارد؛ گرچه این نیاز کودکان گسترده است، ولی در پایین‌ترین سطح اهداف تربیتی است؛ به عبارتی گرچه اگر بازی نتواند این نیاز کودک را در قدم اول تأمین نماید، نمی‌توان انتظار داشت دیگر نیازهای سطح بالاتر را با آن تأمین نمود؛ اما این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که نباید به بهانه رفع این نیاز اساسی کودکان، از دیگر سطوح اهداف برای بازی غافل ماند؛ به‌طور کلی می‌توان اهداف چهارگانه زیر را در بازی با کودکان دنبال نمود.

هرم بازی کودکان در جهت تأمین نیازها و اهداف مختلف (با الهام از هرم نیازهای مازلو)

بر اساس هرم فوق، در تدارک بازی برای کودکان باید علاوه بر هدف کسب لذت و ایجاد شادی که به‌عنوان فاکتور ثابتی در همه بازی‌ها لحاظ شود، دیگر اهداف را باید بسته به نوع بازی، مدنظر قرارداد. بیان نمونه‌هایی از سیره عملی اهل بیت(ع) روشن‌کننده این موضوع است؛ زمانی که حضرت زهرا(س) در بازی ساده خواندن شعر با فرزندانشان هستند، چند هدف در خلال این بازی ساده تأمین می‌شود؛ نفس شعرخوانی برای کودکان لذت‌بخش است (تأمین هدف اول)؛ در خلال شعرخوانی آموزش و توجه به تقویت حافظه و تقویت زبان و ادبیات کودکان تأمین می‌شود (تأمین هدف سوم)؛ محتوای شعری که حضرت زهرا(س) در آن الگودهی از حضرت علی(ص) و دشمن‌شناسی را انتخاب نموده‌اند، تأمین‌کننده بعد اهداف متعالی (سطح چهارم) برای بازی، یعنی جهت‌دهی بازی در راستای تربیت دینی است؛ البته اینکه در این بازی ساده و کودکانه، ارزش‌دهی به جایگاه پدر خانواده صورت گرفته، می‌تواند جزء اهداف متعالی برای یک خانواده دینی نیز تعریف شود. همچنین بازی‌هایی که امام صادق(ص) انجام می‌دادند و در بخش معرفی انواع بازی بدان اشاره شد، بازی‌هایی است که سه هدف فوق را، یعنی لذت، بعد روحی و بعد تربیتی را تأمین می‌کند. بازی‌های تیراندازی برای کودکان که مورد سفارش پیامبر(ص) بوده نیز، تأمین‌کننده هر چهار سطح اهداف بازی است؛ کسب لذت، پرورش بعد جسمی و ایجاد تحرک و آمادگی برای مقابله با دشمن، آموزش و ایجاد تمرکز و درنهایت هدف اصلی بازی در راستای تقویت دشمن‌شناسی و ایجاد انزجار نسبت به دشمن که از اهداف اصیل تربیت دینی است در آن وجود دارد؛ نکته‌ای حائز اهمیت در این بخش این است که دو رویکرد در زمینه بازی به‌منظور تأمین اهداف و به عبارتی چندمنظوره نمودن بازی وجود دارد؛ همان‌گونه که توضیح آن آمد، والدین می‌توانند در رویکرد اول بازی‌ای را انتخاب



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کنند که در ذات خود تأمین‌کننده چند هدف است؛ در رویکرد دوم می‌توان ابتدا بازی را با هدف انتقال نشاط و لذت به کودکان انجام داد و بعد از اینکه این نیاز کودک تا حدودی تأمین شد، دیگر اهداف را در ادامه بازی دنبال نمود؛ فلسفه چنین رویکردی این است که بهترین زمان برای آموزش و تربیت دینی، زمانی است که کودک در حالت نشاط و صمیمیت با والدین خود قرار دارد و با اتخاذ این روش، اهداف سطوح مختلف تأمین خواهد شد؛ البته برای رسیدن به اهداف چهارگانه هرم، گاهی لازم است قالب بازی کمی تغییر کرده و جنبه رقابتی به خود بگیرد. موضوع رقابتی بودن بازی که تأمین‌کننده انگیزه برای بازیکنان در راستای رسیدن به اهداف است، در بازی‌های مختلف در سیره اهل بیت(ع) مشاهده می‌شود؛ همان‌طور که اشاره شد، پیامبر(ص) نوه‌هایشان را به کشتی گرفتن با هم تشویق می‌نمودند؛ این تنها در مورد کشتی گرفتن نبود، حسنین در مورد خوشنویسی و خط نیز با هم رقابت می‌کردند (مجلسی، ۱۳۹۲، ۴۳، ۶۱). رقابت در اسب‌دوانی و دیگر بازی‌ها نیز در زمان پیامبر(ص) و با سفارش ایشان انجام می‌شده است.

ملزومات بازی در رابطه با رعایت شرایط بازی: منظور از شرایط بازی توجه به زمان و مکان بازی است؛ قاعده کلی در این دو مورد، «عدم محدودیت تا حد ممکن» است. اولین نکته‌ای که در رابطه با زمان بازی باید از جانب والدین رعایت شود، عدم ایجاد تأخیر در برطرف نمودن نیاز کودکان به بازی است؛ نمود این نکته در داستان بازی پیامبر(ص) با کودکان و تأخیر در رفتن به مسجد به خوبی آشکار می‌شود. پیامبر(ص) نه تنها عزم مسجد کرده بودند و می‌دانستند بازی با کودکان سبب تأخیر در نماز می‌شود، بلکه در پاسخ به بلال که به دنبال ایشان آمده بود، فرمودند: ای بلال برای من تنگ شدن وقت نماز بهتر از تنگ شدن دل کودکان است (جلالی شاهرودی، قرن ۱۴، ۶۶)؛ این موضوع نشان‌دهنده این است که نیاز کودکان به بازی همچون نیاز آنان به غذا و خواب، نیازی فوری است که به تأخیر انداختن آن گرچه به‌ظاهر آسیب جسمی به دنبال ندارد، اما آسیب‌های روحی ناشی از آن در جسم کودک، در درازمدت نمایان می‌شود؛ علاوه بر این نکته، اشاراتی که در بحث صبر پیامبر(ص) بر بازی کودکان و همراهی ایشان در بازی با کودکان و سفارش به عدم منع آنان از بازی آورده شد و همچنین نکته‌ای که به لزوم جایگزین برای بازی اشاره داشت، همگی نشان‌دهنده ضرورت توسعه و بسط زمان بازی برای کودکان است؛ از همین‌رو است که پیامبر(ص) نیز برای بازی با کودکان محدودیتی قائل نیستند و حتی زمانی که با اصحاب قصد عزیمت به مکانی داشتند و در همان حال حسین(ص) را دیدند، از اصحاب جدا شدند و با فرزندشان بازی کردند (مجلسی، ۱۳۹۲، ۴۳، ۳۴). نکته دیگر در رابطه با زمان بازی توجه به این روایت است: کودک هفت سال بازی می‌کند و ... (کلینی، ۱۳۹۲، ۶، ۷۶)؛ اگر این دوره طلایی کودکی به بازی سپری نشود، دیگر نمی‌توان این کمبود را در سال‌های دیگر جبران نمود؛ گرچه کودکان بعد از هفت سال اول زندگی، از دنیای بازی به‌طور کامل منقطع نمی‌شوند (حتی برخی افراد تا آخر عمر دل‌بسته بازی دنیا می‌مانند) (انعام، ۳۲)؛ اما اشتیاق، اولویت و جذابیت بازی برایشان کم‌رنگ می‌شود؛ از این‌رو بهترین زمان برای استفاده از بازی به‌عنوان ابزاری در راستای تحقق اهداف دینی، مربوط به همین سال‌ها است.

از دیگر شرایط بازی توجه به مکان بازی است. نگاهی کلی به آیات و روایات مربوط به بازی و سیره عملی اهل بیت(ع)، نشان می‌دهد که نباید محدودیت مکانی خاصی برای بازی کودکان قائل شد و مطلوب است بازی کودکان در فضاهای باز و طبیعی صورت گیرد؛ بازی حسنین در مسجد، کوچه و در خانه، در سیره این بزرگواران اشاره شده است؛ همچنین توجه به سفارش‌هایی که در روایات در مورد انواع بازی آمده، نشان می‌دهد خاک و آب دو عنصر طبیعی مطلوب برای بازی کودکان است که در محیط طبیعی و باز، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در آیه ۱۲ سوره یوسف، توجه به بسط مکان بازی و طبیعی بودن آن شده است؛ آنجا که برادران یوسف خطاب به یعقوب گفتند: «فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند و ما به‌خوبی نگهبان او خواهیم بود». یقیناً مکان زندگی یعقوب پیامبر، جایی برای بازی کردن داشته و این قوم در محیطی طبیعی زندگی می‌کرده است، اما علتی که برادران برای بردن یوسف بیان می‌کنند؛ بازی کردن در محیطی وسیع، طبیعی و تازه است که سبب می‌شود یعقوب به این امر رضایت دهد؛ یعنی نکته‌ای که پیامبر خدا در مورد بازی و نشاط فرزند خویش بدان توجه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

داشته‌اند، به دلیل همین توجه است که برادران پیشنهاد کردند تا یوسف را با ایشان روانه مرتع و چراگاه گوسفندان و شتران کند تا هوایی به بدنش بخورد و جست‌وخیزی کند (طباطبائی، ۱۳۸۲، ۱۱، ۲۴)؛ البته نکات مطرح‌شده در مورد مکان بازی، به معنای این نیست که بازی تنها در محیط باز و طبیعی امکان‌پذیر و یا مطلوب است؛ چراکه همان‌طور که اشاره شد، پیامبر(ص) بازی کشتی را در منزل حضرت زهرا(س) برای حسنین برگزار نمودند؛ اما الویت مکان بازی در محیط‌های باز و طبیعی همچنان مطلوب می‌نماید.

نتیجه‌گیری

صحبت از نقش بازی در تربیت دینی پس از آشنایی با دو مقدمه «انواع بازی» و «ویژگی‌ها و ملزومات بازی» با سهولت بهتری صورت می‌گیرد؛ چراکه فهم پیوند بازی با تربیت دینی از این طریق آسان است. زمانی که در لسان روایات، بازی به‌عنوان ویژگی دوران کودکی مشخص می‌شود و بر بازیگوشی و شوخی با کودکان در این دوره تأکید می‌شود، نتیجه این خواهد بود که بازی و تأمین نشاط، پیوندی ضروری با هم دارند. حال اگر تربیت دینی با بازی پیوند پیدا برقرار کند، در نتیجه با نشاط و شادابی پیوند می‌یابد؛ به عبارتی، همان‌گونه که در اتخاذ رویکردهای بازی برای تأمین اهداف مختلف اشاره شد، تربیت دینی با موضوعی همراه است که نیاز کودکان به شادابی را فراهم می‌کند؛ از این‌رو گزاره اولی که نشان از نقش بازی در تربیت دینی خواهد داشت؛ عبارت است از: «دستیابی به تربیت دینی توأم با نشاط و شادابی»؛ از همین‌رو است که پیامبر(ص) فرموده‌اند: تفریح و بازی کنید، زیرا دوست ندارم در دین شما خشونت دیده شود (پاینده، ۱۳۶۳، ۶۷).

برای دستیابی به گزاره دوم نقش بازی در تربیت دینی، توجه هم‌زمان به دو روایت لازم است؛ «بازی و ویژگی دوران کودکی» و «یادگیری در کودکی همچون حک نمودن نقش بر سنگ» (متقی هندی، ۱۴۰۱، ق، ۱۰، ۲۴)؛ نتیجه تعمق در این دو مضمون، گزاره «دستیابی به تربیت دینی ماندگار» را به همراه دارد؛ به عبارتی، زمانی که تربیت دینی همراه با بازی باشد، همان یادگیری از طریق بازی و یادگیری در این سنین یادگیری ماندگار است؛ بنابراین تربیت دینی ماندگار، همراه با نشاط و از سر شوق ایجاد می‌شود. جمع بین دو گزاره اول در تبیین نقش بازی در تربیت دینی، گزاره سوم را در پی خواهد داشت که به‌طور عقلانی همراه و ملزوم آن است؛ یعنی «دستیابی به تربیت دینی سهل و سریع»؛ گرچه تربیت و از جمله تربیت دینی، امری مشکل و طولانی است، اما استفاده از ابزار بازی می‌تواند در تسهیل و تسریع آن کمک نماید؛ اساساً یادگیری از سر شوق و علاقه و متناسب با نیاز کودک، در مقایسه با یادگیری تحمیلی و به دور از دنیای کودکی، این برتری‌ها را در خود خواهد داشت. کودکان باید بازی کنند و بازی باید همراه با بازیگوشی باشد و شایسته نیست این امور از دنیای کودکی حذف شود؛ بشارت تأثیر مستقیم توجه به این عناوین، در تربیت دینی به‌طور صریح در روایات آمده است: بازیگوشی کودک در خردسالی‌اش مایه فزونی عقل در بزرگسالی اوست (پاینده، ۱۳۶۳، ۲۱)؛ بچه در کودکی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی بردبار شود (کلینی، کافی، ۶، ۳۲). «دستیابی به رشد عقلانی و اخلاقی در تربیت دینی» گزاره چهارمی است که تبیین‌کننده نقش بازی در تربیت دینی است. اینکه عقل و اخلاق در تربیت دینی چه جایگاهی دارد، مجال این بحث نیست، اما این موضوع واضح است که تربیت دینی بدون عقلانیت و اخلاق، نه تنها تربیت دینی نیست، بلکه اساساً تربیت نیست.

دستیابی به تربیت دینی همراه با تولی و تبری، پنجمین گزاره‌ای است که با نگاه به انواع بازی و ویژگی‌های بازی، در لسان دین و سیره اهل بیت (ع)، حاصل می‌شود؛ تعبیر تولی به تقویت بعد اجتماعی و محبت بین دوستان از طریق بازی، روشن‌تر است؛ این تعبیر از درون مضامینی چون دعوت به بازی‌های دسته‌جمعی و رقابتی و توجه به ترحم و محبت در حین بازی با کودکان قابل استخراج است. بازی برای کودکان صحنه تمرین زندگی است. وقتی در بازی محبت ببینند و محبت کنند، در زندگی هم همین رویه را ادامه خواهند داد؛ نمونه محبت دیدن در بازی، رفتار پیامبر(ص) با حسین(ص) و بوسیدن و در آغوش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گرفتن او در حین بازی است؛ همچنین زود آشتی کردن بعد از دعوا و کینه نداشتن کودکان تمرین محبت‌ورزی برای زندگی، در حین بازی است (کلینی، ۱۳۹۲، ۶، ۵۵). در نقطه مقابل وقتی در نوع بازی کودکان، آمادگی جسمی برای مقابله با دشمن در انواع بازی‌های، مانند تیراندازی، اسب‌دوانی، شنا، شمشیربازی و کشتی فراهم می‌شود، به تبع، آمادگی روحی برای مقابله با دشمن و دشمن‌شناسی نیز تقویت می‌شود. تربیت دینی اصیل نیز در بعد اجتماعی چیزی جدا از تولی و تبری نیست. برخی بازی‌های مورد تأکید در اسلام، بازی‌هایی است که با فطرت کودکان عجین است؛ یعنی کودکان از درون، کشش به سمت چنین بازی‌هایی دارند؛ خاک‌بازی و آب‌بازی از جمله این بازی‌ها است؛ انجام این بازی‌ها سبب بسط روحیات فطری در کودکان می‌شود. این بدان معنی است که تربیت اصیل از این طریق، یعنی «دست‌یابی به تربیت دینی مبتنی بر فطریات» اتفاق می‌افتد؛ وقتی بعد فطری کودکان تقویت شود، دیگر امور فطری نیز در آنها تقویت می‌یابد؛ علاوه بر بها دادن به بازی‌های فطری، بها دادن به صفات فطری در حین بازی می‌تواند سبب بسط این موضوع شود. زمانی که در حین بازی کودکان، مانع‌تراشی جهت بروز فطریاتی، همچون اشک ریختن، دعوا و آشتی آنها نکنیم، به واقع مانع پیوندهای اصیل کودک با خداشناسی نشده‌ایم؛ چراکه اصلی‌ترین بعد فطری انسان، فطرت خداشناسی و بسط و توجه به فطرت از طریق بازی، یعنی بها دادن به بُعد خداشناسی کودکان است.

در بازی‌هایی که تا این اینجا بیان شد، تأکید بر تقویت زبان و بلاغت کلام در حین بازی، خط و رقابت در خوشنویسی، شناخت میانی و محتوای دینی در حین بازی، توجه به ارائه الگو و بازی نقش‌های استاد-شاگردی مورد توجه بوده است. تقویت تمامی این امور، گزاره هفتم نقش بازی در تربیت دینی را تبیین می‌نماید: یعنی «دست‌یابی به مبلغان دینی توانمند، در راستای تربیت دینی» است؛ اگر دین تبلیغ نمی‌شد، هیچ‌گاه گسترش نمی‌یافت. یکی از زمینه‌های کسب مهارت‌های اولیه برای تبلیغ دین و تمرین نمادین آن، بستر بازی کودکان است. گرچه در نهایت برای موضوع تبلیغ دین، تنها معدودی از افراد صلاحیت لازم را کسب می‌کنند، اما این نکته نباید از نظر دور بماند که هر یک از افراد جامعه در رابطه با تبلیغ دین دارای وظیفه هستند. به نظر می‌رسد این نکته مدنظر اهل‌بیت(ع) نیز بوده است و به همین جهت بر برخی اموری که بدان اشاره شد، تأکید داشته‌اند.

تمام گزاره‌های تربیت دینی که تا به حال بدان اشاره شده، اگر در کنار هم قرار بگیرند، گزاره دیگری را روشن می‌سازد که مؤید «دست‌یابی به تربیت دینی مبتنی بر علاقه‌مندی» است. اگر تربیت دینی از زمینه علاقه کودکان آغاز شود، با علاقه‌مندی به دین‌داری در بزرگسالی ادامه می‌یابد. این موضوع ماحصل تربیت دینی مبتنی بر نشاط، سهولت، محبت و فطریات است. اگر روندهای تربیتی در انتخاب نوع بازی و رعایت شرایط و ملزومات بازی مبتنی بر تأکیدات و دستورات دینی باشند، دست‌یابی به گزاره «دست‌یابی به تربیت دینی عمیق» دور از ذهن نمی‌نماید. اگر بازی‌ای که برای کودکان انتخاب می‌شود، مبتنی بر فطرت پاک آنها باشد و عنصر ذاتی بازیگوشی در روند آن جریان داشته باشد و در بُعد زمانی زندگی کودک استمرار یابد و محدود نشود؛ در نهایت تبدیل به عادت فکورانه در بزرگسالی شده که سبب می‌شود حتی اگر بازی‌های دوره کودکی فراموش شود، تربیت دینی مبتنی بر بازی، فراموش نشود؛ در مقابل به هر میزان این شرایط و نکات رعایت نشود، نباید انتظار دست‌یابی به گزاره آخر و حتی دیگر گزاره‌ها را در بحث تربیت دینی داشت؛ رعایت نکات مطرح شده در دست‌یابی به همه گزاره‌های تربیت دینی دخیل است، اما در مورد گزاره آخر از اهمیت بیشتری برخوردار است و تعیین‌کننده وقوع یا عدم وقوع آن خواهد بود. در پایان اگر بخواهیم، انواع بازی، ملزومات و ویژگی‌های بازی و نقش و جایگاه بازی را در یک تقسیم‌بندی خلاصه‌تر و کلی‌تری به شکل نمودار ارائه دهیم و روابط بین این ابعاد را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تبیین نماییم، به مدل نظری زیر دست می‌یابیم.

باید توجه داشت همه بخش‌های نمودار به هم مرتبط هستند و تأثیر و تأثر متقابل و ضمنی برهم دارند، اما آنچه به صورت مستقیم و غیرمستقیم از آن می‌توان صحبت نمود؛ .



تشکر و قدردانی

تشکر از اساتید گرانقدر دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه که ما را در این امر همراهی کردند.

مراجع

۱. قرآن کریم

- بستانی، ف و مهیار؛ فرهنگ ابجدی عربی - فارسی؛ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
- بهشتی، س و منطقی، ی؛ «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (ع)»، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۷(۳)، ۹۱-۱۱۴، ۱۳۹۰.
- بهشتی، ا؛ اسلام و بازی کودکان؛ تهران: انتشارات اداره کل تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶.